

دکتر علی قائمی

لزوم تجدید نظر در شیوه تدریس دینی





کشاند. مثل:

- حضور روحانیت با تمام وجود برای در دست گرفتن قدرت و تحقق قال الباقر (ع) و قال الصادق (ع).

- حضور معلمان و مربیان در مدرسه برای رنگ و هوای دینی بخشیدن به درس و بحث و توجه به قرآن و دعا.

- حضور افراد متدین در جامعه برای پاک سازی جامعه از مفسده و خیانت و برپایی خیمه اسلامیت در آن.

- حضور خانواده ها در صحنه تربیت دینی و اخلاقی فرزندان و به ویژه رنگ و هوای اهل بیت را زنده کردن.

و سرانجام حضور دیگر قشرها در جامعه از سیاستمداران، اقتصاددانان، فرهنگ شناسان، جامعه شناسان، روان شناسان، شاخوران، نویسندگان و هنرمندان و هر کدام برای انجام خدمتی در جامعه جدید و تجدید بنای حیات اجتماعی و قرار دادن همه امور بر اساس روال دینی با تأکید بر قرآن و عترت.

وضع و شرایط موجود

تلاش ها تا حدودی مثمرتر بود، آن چنان که می توان گفت جوانان ما الهی شدند^۲ و همان ها توانستند جنگ و جهاد را تا مدت هشت سال اداره کنند، خون دهند و پذیرای اسارت و جان بازی گردند یا در عرصه های اجتماعی و سیاسی گام هایی بردارند که مایه حیرت شاهدان شود.

اما در شرایط موجود، به ویژه در سال های اخیر در نسل نوجوان و جوان نوعی ارتداد و بازگشت به گذشته و از دست دادن حال و هوای انقلاب، البته در عده ای معدود از آنان به چشم

مقدمه:

سخن را با جمله ای از امام امیرالمؤمنین آغاز می کنیم که فرمود: لا تقسروا اولادکم علی آدابکم فانهم مخلصون لزمان غیر زمانکم.^۱ فرزندان خود را بر آن اساس که خود تربیت شده اید تربیت نکنید که اینان برای عصر و زمانی غیر از عصر و زمان شما آفریده شده اند. از زمان بیان این سخن تا عصر ما حدود چهارده قرن می گذرد، و شاید در هیچ عصری به مانند عصر ما این عبارت جایگاه خود را پیدا نکرده باشد. مردم عصر و زمان ما آن را با تمام وجود لمس می کنند، به ویژه که دو واقعه مهم و تاریخی در عصر ما تحقق یافته است: یکی ظهور رنسانس و انقلاب صنعتی در دو قرن قبل که شعاع ترکش آن همه مناطق جهان و از جمله کشور ما را تحت نفوذ قرار داده است، و دیگری پیروزی انقلاب اسلامی در دو سه دهه اخیر.

بر اساس ظهور واقعه اول به تدریج تحولی در همه شؤون حیات و از جمله تربیت پدید آمد که اغلب دارای رنگ و هوای مادی بود، و بر اثر ظهور دومی ضمن تحول در ظاهر شؤون، باطن نیز تغییر یافته و دگرگون شده است. ما در این بررسی کوتاه امتزاجی از اثر این دو را در تربیت دینی و اخلاقی مورد بررسی قرار می دهیم.

حضورها در صحنه

انقلاب اسلامی ایران انقلابی فراگیر بود، آن چنان که همه قشرها و گروه ها را به میدان

می خورد، آن چنان که گویی برخی از آنان مالیات گذشته را نیز خواستارند. پل های اخلاق و ایمان را یکی پس از دیگری می شکنند و گستاخانه و بی پروا قدم در طریقی دیگر می گذارند.

در ارتباط با عامه نوعی سکولاریسم یا دنیازدگی^۳، تعددگرایی یا کثرت گرایی^۴ و عدم پای بندی به قداست ها دیده می شود. به همین علت عده ای ولو معدود از ارتشا، اختلاس، ربا و حرام خواری باکی ندارند. در ارتباط با نسل نسو نیز نوعی تردید در همه باورها و خودباختگی در برابر نئومدرنیسم مشهود است.^۵ یافته های خانواده و مدارس را از هم

می گسلند و دل ایشان همانند سنگی صاف در برابر مواظ و امر و نهی هاست^۶ و فریاد مریبان و مسئولان از این امر بلند است.

تعلیل جریان

درباره این که چرا مسئله این چنین است، باید به سه نکته اشاره کنیم:

۱- مسائل فراموش شده: گسویا عسده ای نمی دانند تحولات صنعتی بنیاد زندگی بشر را دگرگون کرده و روابط گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی خانوادگی را متحول ساخته و آدمی را به نوعی وانهادگی کشانده است.^۷ یا شاید مسئله روابط و ارتباطات ناشی از آن را اندک و ناچیز می انگارند. شبکه ارتباطی یا رایانه جهانی^۸ اندیشه ها را بمباران کرده، جای خالی خانواده و مدرسه را پر می کند، به ویژه که نشر پیام در اختیار متخصصان و تجربه آموختگان در این ابزار است و دامنه عوامل مغفول بسی وسیع تر شده است.

۲- وجود خطای تربیتی: بر اثر ظهور صنعت

همه چیز متحول شده است، ولی هنوز خط گذشته تربیت در خانه و مدرسه و مؤسسات دینی اجرا می شود. جنبه های ثابت دین باید بر سر جای خود باشد،^۹ اما در جنبه دینامیک دیگر چرا ایستادگی؟ اصل کشاورزی ثابت است ولی بنا نیست هنوز زمین با گاو آهن شخم شود. سفر حج درست، ولی نه حتماً با اسب و شتر.

زمان شناسی و جریان شناسی یک اصل است، در غیر این صورت غرق شدن در خطایا و عوامل شبهه آمیز مطرح می شود.^{۱۰} انسان بصیر پیش بینی دارد و به دنبال آن پیش گیری می کند. خطای تربیت ما این است که منتظر می شویم سیل بیاید و آن گاه به فکر چاره می افسیم. محدود نگری نیز بلای دیگری است. آتشی از خانه سر می کشد، عامل آن را همه گاه در خانه جست و جو می کنیم، غافل از این که گاهی آتش از بیرون خانه به درون سرایت کرده



- شکل‌گیری که در آن این اندیشه وجود دارد که ظاهر امر و زرق و برق‌سازی برای جلب و جذب مهم است، زیرا عقل مردم در چشم مردم است. پس ظاهر دینی را باید جاذب کرد و عوام به این امر عنایت دارند.

- میل‌گرایی و در آن این اندیشه مطرح است که باید بین دین و زندگی رابطه به وجود آورد، آن چنان که خواست‌ها در سایه آن افتخار گردد. افراد عاقل و بصیر به این نکته عنایت دارند. - اختلاطی از این دو که معمولاً هر دو گروه فوق را جلب و جذب می‌کند.

۲- توجه به روش: و در آن تأکید بر ارائه ذهنیتی روشن از دین است و البته این امر به تناسب سن و فهم و درک و بصیرت است. باید به تناسب شرایط و ظرفیت در فرد همان بصیرتی را به وجود آورد که اسلام ما را به آن دعوت می‌کند. ^{۱۵} نقش تبیین و تحلیل که از اهداف اسلام است ^{۱۶} و بیان روابط علت و معلولی در پاره‌ای از امور عقلانی مذهب در این راه مؤثر است. به ویژه که پایه‌های اعتقادی مبتنی بر عقلانیت است. ^{۱۷}

در بحث روش، جنبه الگویی عاملان تربیت، شاهد ^{۱۸} و شهید ^{۱۹} بودن آنان و قابلیت تأسی‌شان در رفتار ^{۲۰}، نقشی سرنوشت‌ساز دارد. هر قدر دامنه ارتباط و آشنایی فرد با دیگری بیش‌تر است بعد الگویی باید زیاده‌تر باشد. به ویژه آنان که در عرصه جامعه، صدا و سیما حضور دارند، ^{۲۱} یا کودک درخانه و مدرسه با آنان در ارتباط است.

۳- ابزار و فنون: در این عرصه چه بسیارند وسایل و ابزاری که باید از آنها یاد کرد. محیطی

است.

۳- اعمال روش‌های گذشته: در تربیت گذشته روش‌هایی وجود داشت که آن‌ها امروزه کاربرد ندارند یا لااقل در پاره‌ای از موارد مؤثر نیستند. اصل این است که از در باید وارد خانه شد. ^{۱۱} ولی فراموش نکنیم جای درها در موارد بسیاری تغییر کرده است. پس باید در جدید پیدا کرد.

در گذشته روش القا وجود داشت، روش دورداری فرد از صحنه ناصواب وجود داشت، روش منع مطلق، روش اجبار و تحمیل، روش فریضه‌سازی، روش قرنطینه‌سازی، روش عادت دادن، روش طرد و اخراج فرزند ناباب از خانه وجود داشت. اما امروز این روش‌ها در همه موارد کفایت‌کننده نیستند. مثلاً در طرد و اخراج فرزند نوجوان از خانه بر فساد او دامن زده‌ایم، زیرا مشتری‌ها برای جلب و جذب فرزند شما حتی پشت درخانه شما آماده‌اند. ^{۱۲} با روش منع و قرنطینه‌سازی نیز نمی‌توان به پیش‌رفت، زیرا با کوچه و خیابان چه می‌کنید؟ با تلفن و تلویزیون و نوار کاست چه می‌کنید؟ با فرار ناشی از فشارها چه می‌کنید؟ ^{۱۳}

اقدامات لازم

در پاسخ به این که در این وضع و شرایط چه باید کرد و آیا امکان اصلاح و نوسازی وجود دارد؟ باید گفت راه‌هایی در این زمینه وجود دارد و امکان‌رهبایی هم هست، اگرچه طی این راه همه‌گاه آسان و سریع نیست. اصول و نکاتی که در این راه می‌تواند قابل ذکر باشد عبارت‌اند از:

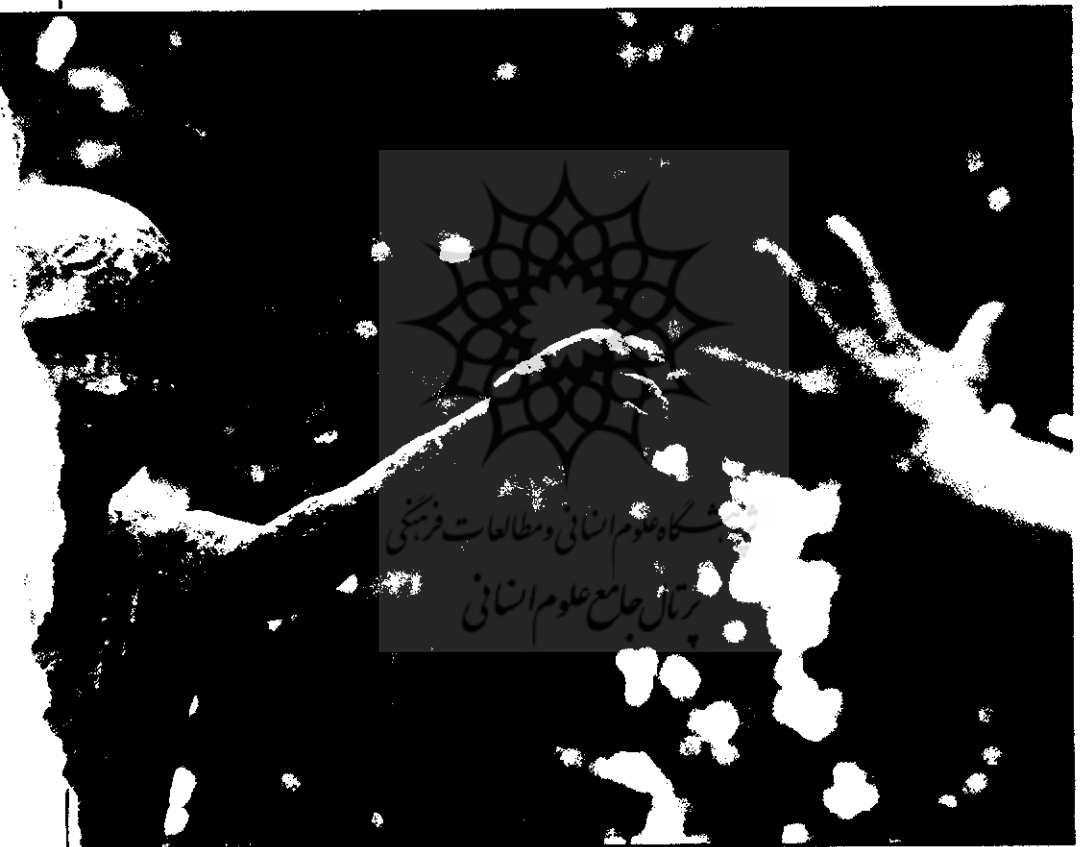
۱- توجه به اصول جلب: در این مسئله باید به

سه نکته توجه داشت: ^{۱۴}

شورانگیزی‌ها، حماسه‌سازی‌ها، استفاده از اثرات درام یا صحنه‌های کمیک به تناسب، جانشین‌سازی^{۲۵} (که اگر کودک را از چیزی منع کردیم با چیزی دیگر آن منع را جبران کنیم) و بالاخره کنترل‌های غیرمستقیم، تشویق‌ها، تحسین‌ها، هشدار دادن‌ها، منع‌ها در موارد لازم، تحکم‌ها، ملامت‌ها در موارد ضرور و ... از ابزار لازم‌اند. مهم این است که دریابیم هر کدام را در کجا به کار بریم.

که آدمی در آن زندگی می‌کند، از خانه و مدرسه و اجتماع، باید پاک‌سازی شده، دعوت‌کننده افراد به شرافت و عفت و تقوا باشد. تبلیغات و ابزار تبلیغاتی خیابان‌ها، تابلوها، عکس‌ها، تیترها، پوسترها باید انسانیت و اخلاق و شرف را القا کنند.^{۲۲}

از دیگر ابزار و فنون نصیحت کردن، موعظه، خیراندیشی از روی خلوص و اخلاص، ارائه و نمایش صحنه‌های مورد



پسگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 زمان جامع علوم انسانی

در طریق تنفیذ دین
 در مورد این که چه کنیم که در شرایط
 موجود گرایشی به سوی دین حاصل شود،

دعوت است که اسلام آن را در شک‌زدایی و
 جهت‌دهی بسیار مهم و مؤثر می‌داند.^{۲۳}
 داستان‌سرایی و در قالب آن عرضه و ارائه
 حقایق که در آن عبرت‌آموزی‌هاست،^{۲۴}

اگر آن فرد خطاکار نبود باید برایش توجیه کرد.^{۳۵}

- شک زدایی‌ها، که در مواردی وجود شک عامل تخریب است و آدمی در آن دست و پا می‌زند و سرگرم می‌شود^{۳۶} و در آن صورت از کار و وظیفه باز می‌ماند.

کارهای جنبی

چه کنیم که فرزندانمان به دین‌گرایی پیدا کند؟ اگر خود اهل دیانتیم بهتر است او را به خود نزدیک گردانیم. انس و صفای دین‌داران و معاشرت با خوبان، خود از عوامل سازنده‌اند. هم چنان که معاشران بد عامل سیه‌رویی و بدبختی افراد به حساب می‌آیند.^{۳۷}

- تقویت اراده که بسیاری از رشدها و انحطاط‌ها نشأت گرفته از اراده‌های نیرومند یا ضعیف است. خواست‌ها زمینه‌ساز پیروزی‌هایند.^{۳۸}

- هم‌گرایی و همسانی با فرزند در مواردی که خلاف شرعی وجود ندارد تا احساس کند که خواست و رأی او را به حساب می‌آوریم و کرامت او را مدنظر داریم. مرز ما در رد و قبول، حدود شرع است و از آن تجاوز نداریم.^{۳۹}

- مقاومت‌سازی و ایجاد روحیه مقاومت در فرد در برابر لغزش‌ها و انحرافات که خود ناشی از بصیرت و ایمان و تمرین‌ها و ممارست و در نهایت ایجاد عادت اندیشیده است و در آن صورت پیروزی حاصل است.^{۴۰}

- عرضه و ارائه ملاک و معیار دین که براساس آن به پیش رود.^{۴۱}

در طریق کارایی

برای این که والدین و مربیان بخواهند در امر

شیوه‌هایی وجود دارند که برخی از آن‌ها بدین قرار است:

- ایجاد رابطه بین دین و زندگی به گونه‌ای ملموس و قابل فهم و بیرون آوردن آن از حالت خشک و تشریفاتی که در آن نه فهمی باشد و نه برداشت مفیدی. آن دین که نتواند خط زندگی را برای آدمی ترسیم کند عدمش به ز وجود و اصولاً کار دین حیات‌بخشی است.^{۴۲}

- پرده برداری از حقایق و اسرار دین^{۴۳} و بیان قواعد و تعالیم و ارائه بینات آن^{۴۴}، تا در آن توجیهی برای حیات و مماتشان یا زندگی و هلاکشان باشد.^{۴۵}

- پاسخ به سؤالات آنان و حتی پرسش از افراد آگاه^{۴۶} در صورت جهل به مسئله، به گونه‌ای که خلاء آنان را پر کنند و او را برای دست‌یابی به پاسخ پرسش به سوی دیگری جهت ندهند.

- اعتراف به خطا در صورتی که خطایی مرتکب شویم - تا او از آن درس غلط نگیرد یا ما را اهل کبر و دروغ نبیند.^{۴۷}

- عامل به دعاوی خود بودن که عدم آن مایه خشم خداست.^{۴۸}

- عدم هراس از تخریب کسانی که راه خطا می‌پیمایند، در هر شأن و وضع و مقامی که باشند. پرده پوشی در این راه نوعی بی‌عدالتی و گریز دیگران از مذهب است. حق را باید گفت اگرچه به ضرر ما باشد.^{۴۹}

حل و رفع بدگمانی‌ها - پیامبر را در تاریکی شب بازنی دیدند. پیامبر فوراً آن مرد را صدا زد و اعلام کرد که او زوجه من است. در جایی مهمان بودیم و فعلاً به خانه می‌رویم.^{۵۰}

- رفع بدبینی‌ها از افراد یا اشخاصی که برای فرد الگو بوده، به دلایلی به او بدبین شده‌اند.

- صبر و تحمل در طریق انجام وظیفه و خالی نکردن میدان تربیت تحت هیچ شرایطی، حتی در برابر سرزنش‌ها.^{۲۵}

- مقاومت و پیگیری وظیفه تا رساندن نسل به استقلال در زندگی که تا سن بیست و یک سالگی ادامه خواهد یافت.^{۲۶}

- مددخواهی از خداوند در اعانت او به تربیت نسل.^{۲۷}

تربیت دینی نسل موفق و کارا باشند نیاز دارند به:

- آگاهی و اطلاع از جریانات، راه و رسم تربیت و فنون و ابزار لازم برای توفیق در کار.^{۲۲}

- تجهیز و سازندگی خود در جهت انجام وظیفه‌ای که آن را برعهده گرفته‌اند.^{۲۳}

- ایمان و باور به آگاهی‌ها، وظایف، مسئولیت‌ها و تعهدی که با خداوند دارند و ایمان چراغ راه و خط انبیاست.^{۲۴}

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه .
- ۲- تعبیر امام راحل .
- ۳- ترجمه جدید آن .
- ۴- پلورالیسم .
- ۵- تجددگرایی نو.
- ۶- كما تزل المطر عن الصفا - تحف العقول .
- ۷- وانهادگی انسان در عصر صنعت.
- ۸- اینترنت .
- ۹- حلال محمد حلال الی یوم القیامه .
- ۱۰- العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوایس .
- ۱۱- آیه ۱۹، سوره بقره .
- ۱۲- برای باندهای انحراف .
- ۱۳- بیش‌ترین آمار فرار تا سن ۱۸ سالگی است.
- ۱۴- اساس آن در صنعت و شغل و بر اساس خط فکری پراگماتیسم است و ما از آن برای مذهب سود جسته‌ایم.
- ۱۵- آیه ۱۰۸، سوره یوسف .
- ۱۶- آیه ۴۴، سوره نحل .
- ۱۷- اصول دین اثباتی است نه تقلیدی.
- ۱۸- آیه ۴۵، سوره احزاب.
- ۱۹- آیه ۱۴۳، سوره بقره.
- ۲۰- آیه ۲۱، سوره احزاب .
- ۲۱- مسئولان مملکت یا روحانیان و سخنوران.
- ۲۲- اسلام برای پاکی محیط امر به معروف و نهی از منکر دارد که جلوه‌ای از جهاد است.
- ۲۳- آیه ۱۰۵، سوره نساء .
- ۲۴- آیه ۱۱۱، سوره یوسف .
- ۲۵- استخلاف .
- ۲۶- آیه ۲۴، سوره انفال .
- ۲۷- آیه ۴۴، سوره نحل .
- ۲۸- آیه ۲۵، سوره حدید .
- ۲۹- آیه ۴۲، سوره انفال .
- ۳۰- آیه ۵۲، سوره نحل .
- ۳۱- آیه ۵، سوره کهف .
- ۳۲- آیه ۳، سوره صف .
- ۳۳- قولوا الحق ولو علی انفسکم - علی (ع).
- ۳۴- زندگانی محمد(ص).
- ۳۵- آیه ۶، سوره حجرات.
- ۳۶- آیه ۹، سوره دخان .
- ۳۷- آیه ۳۸، سوره زخرف .
- ۳۸- آیه ۱۹، سوره اسراء .
- ۳۹- آیه ۴، سوره مجادله .
- ۴۰- آیه ۳۰، سوره فصلت .
- ۴۱- ملاک از قرآن و سنت است.
- ۴۲- آگاهی، ریشه همه حرکت‌هاست.
- ۴۳- آیه ۶۰، سوره یس .
- ۴۴- آیه ۲۱۵، سوره بقره .
- ۴۵- آیه ۵۴، سوره مائده.
- ۴۶- مکارم الاخلاق .
- ۴۷- واعنی علی تربیتهم و تأدیبهم، صحیفه سجاده.